

آهنگ‌شناسی (عروض آسان)

آنچه می‌خوانید چکیده کتابی است که در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به صورت طرحی در راه ساده کردن عروض فارسی پیشنهاد شد و نمونه کامل‌تر و علمی‌تر آن در سال ۱۳۷۹ به نام **آهنگ‌شناسی (عروض)** منتشر گردیده است. در این مقاله نخست اشاره‌ای به دشواریهای عروض سنتی می‌شود، آنگاه روشهایی که چاره‌اندیشان معاصر ارائه کرده‌اند مطرح می‌گردد و پس از نقدی گذرا روش آهنگ‌شناسی که به گمان نگارنده تاکنون ساده‌ترین و بیسامان‌ترین و کارآمدترین شیوه در طبقه‌بندی و نام‌گذاری اوزان اشعار فارسی است از نظر خوانندگان می‌گذرد.

از عروضیان معاصر کمتر کسی را می‌توان یافت که درباره دشواریهای عروض سنتی سخنی نگفته یا آن را مورد انتقاد قرار نداده باشد. از جمله دکتر ابوالحسن نجفی می‌گوید: «مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله عروض فارسی از قدیم تا امروز طبقه‌بندی و وزن‌ها بوده است.» در جای دیگر می‌فرماید: «مشکل بزرگ عروض سنتی... وجود زحافات است که کثرت آنها هر متعلم مشتاق را می‌رماند.»^۱ شادروان دکتر خانلری می‌گوید: «کثرت شماره افعال عروضی چنان کار را دشوار ساخته که نمی‌توان آنها را به خاطر سپرد و به سهولت اشعار را با این موازین سنجید.»^۲ اینها همه قولی است که جملگی برآیند.

خوشبختانه تنی چند از استادان و پژوهندگان معاصر به چاره‌جویی برخاسته، روشهایی اندیشیده و پیشنهاد نموده‌اند. نخستین بار آقای دکتر خانلری با توجه به تعداد هجا در واژه‌های

فارسی ده واژه دو و سه هجایی (نوا، آوا، چامه، همه، خشاوا، بنوا، نیکاوا، خشنوا، ترانه، زمومه) ساخته و آنها را ارکان تقطیع قرار داده سپس اوزان مختلف را در پانزده سلسله گنجانده است.

روان شاد مسعود فرزاد سه رکن (مفاعیلن، فاعلاتن، مستعلن) را اساس قرار داده دیگر رکنها را از متفرعات این سه پایه دانسته‌اند؛ در ضمن ارکان مختوم به هجای کوتاه را نپذیرفته و در تقطیع نیز میانه مصراع چهاررکنی را لولای وسط نام نهاده، ارکان با هجای کم‌تر را در اول مصراع قرار داده است (خلاف سنت معمول).

الول ساتن انگلیسی نیز کوشیده است با روشی علمی اوزان را طبقه‌بندی نماید. وی چهارده رشته نظم به دست داده و آنها را با توجه به تعداد هجاها شماره‌گذاری نموده است.

اخیراً آقای ایرج کابلی با رنجی فراوان و تلاشی درخور تحسین روش الول ساتن را سامان بخشیده، روشی علمی و کارآمد - اما نه چندان ساده - پیشنهاد نموده است. وی هجای بلند (-) را دانه و هجای کوتاه (U) را نیم دانه و در شمارش هجاها یک رکن یا مصراع آنها را بند نامیده است. ارکان پدید آمده از بندها را ریس و تکرار ریس‌ها را رشته نظم نام نهاده است. در این شیوه ریس‌ها از دوبندی شروع شده تا هشت بندی پیش می‌رود. این ریس‌ها با توجه به تعداد نیم‌دانه‌های بیشتر و نیز تراکم آنها در آغاز ریس تقدم و تأخر پیدا می‌کند و با بردن هر بند از آغاز به پایان ریس معلوم می‌گردد که ریس چندم آغاز است.

به عنوان مثال ریس (UU-) یکمین سه بندیها و ریس (U-) دومین سه بندیها نامیده شده است. این ریس‌ها هر دو یکم آغاز است زیرا تراکم نیم‌دانه‌ها در آغاز ریس است. حال چنانچه (UU-) به صورت

آهنگ شناسی

راهنمایی جوینده و فقدان عینی ضوابط حاکم بر تشکیل گروهها عملاً کارآیی چندان ندارد».^۳

اکنون باید افزود که روش آقای کابلی از شیوه فرزاد و خانلری دقیق تر و فراگیرتر و از شیوه ساتن گویاتر است. اما دشواری دست یافتن به وزن همچنان برجاست ضمن این که وزن شماره‌ای (نمایش وزن با شماره) هم شیوه مناسبی نتواند بود. از طرفی چون در این روش تلفیق دوپایه مختلف پذیرفته نیست پایه‌های (ریسه‌ها) تا هشت هجایی هم پدید آمده و کار را دشوار ساخته است. اینک با معرفی روش طبقه‌بندی اوزان در آهنگ‌شناسی، کارآمدی و سادگی آن را نشان داده با آوردن نمونه‌ها این چند روش را مقایسه می‌کنیم. نگارنده را عقیده بر این است که پس از هجابندی و برش‌زنی مصراع به مجموعه هجاهای منظم، بهترین روش نام‌گذاری برگزیدن معادل‌های کلامی در برابر مجموعه هجاست با این شرط که این معادله‌ها در یک نظام قرار گیرند و قانونمند باشند. از این رو با بهره‌گیری از جنبه‌های مثبت عروض سنتی و معادل‌سازی دکتر خانلری پنج واژه‌واره نوا (U-) آوا (-) بنوا (U U-) خشنوا (U-) خشنوا (U U-) را برگزیده آنها را بن پایه دیگر واژه‌واره‌های هم‌خانواده خود قرار می‌دهیم. آنگاه با افزودن یک تا دو هجا به هر بن پایه هم‌خانواده‌های موردنیاز را پدید می‌آوریم. بدین صورت:

الف - هم‌خانواده‌های نوا

- ۱- نوا (U-) + هجای کوتاه ← نوا (U-U)
- ۲- نوا (U-) + هجای بلند ← نواها (U--)
- ۳- نوا (U-) + هجای بلند و کوتاه ← نواهای (U--U)

(U-U) درآید دوم آغاز و اگر به شکل (U U-) درآید سوم آغاز می‌شود، بنابراین وزن شاهنامه که تکرار ریسه (U--) است و دارای یازده بند (هجا) است.

(U--U / --U / --U / --U) رشته یازده‌بندی یکم آغاز از دومین سه‌بندی‌هاست و به این صورت شماره‌گذاری می‌گردد (۱۱، ۲، ۳). البته کسان دیگری نیز روشهایی را پیشنهاد نموده‌اند که معرفی و بررسی آنها سخن را به درازا می‌کشاند از این رو به ذکر همین چند روشی که از بقیه علمی تراست بسنده می‌کنیم.

از شیوه‌های جدید به گفته دکتر ابوالحسن نجفی «شیوه فرزاد منضبط‌ترین و در عین حال من‌عندی‌ترین و دشوارترین است و بیشترین مقدار وزن شعر فارسی را به دست می‌دهد. شیوه خانلری نامنضبط‌تر ولی در عین حال ساده‌تر و باذوق سلیم موافق‌تر است و کم‌ترین مقدار شعر فارسی را عرضه می‌کند. شیوه ساتن منطقی‌تر و مرتب‌تر از هر دو شیوه دیگر است اما به سبب عدم توضیح کافی در

